

بررسی استعاره در متون خبری سیاسی ایران

(بررسی موردی اخبار انرژی هسته‌ای در آذر و دی ۱۳۸۵)

دکتر نگار داوری اردکانی*

** عطیه عیاردولابی

چکیده

استعاره از قدیم ابزاری زیبایی‌آفرین برای بیان منظور تلقی شده است. در گذشته، و به‌ویژه از منظر کلاسیسیسم، استعاره صرفاً مختص ادبیات بود و همواره در حوزه ادبیات به آن می‌پرداختند. اما از قرن هجدهم، با توجه به آموزه‌های مکتب رمانتیسیم، به استعاره با دیدی کلی و به مثابه عملکرد تخیل در مفهوم‌سازی و استدلال نگریسته شد و، در نتیجه این نگرش، بین زبان خودکار و زبان ادبیات بده-بستانی دائمی برقرار شد. امروزه، استعاره از منظر زبان‌شناسی و حتی در زبان روزمره بررسی می‌شود تا آنجا که به پدید آمدن نظریات و توجیهاتی برای این فرایند معناساز منجر شده است. هدف این مقاله بررسی میزان و نوع استعاره‌ها در حوزه متون سیاسی در روزنامه‌ها از طریق بررسی موردی اخبار انرژی هسته‌ای ایران است. بدین منظور، برای دسته‌بندی استعاره‌ها از طرحواره‌های حجمی، حرکتی، قدرتی، و فضایی صفوی (۱۳۸۰) و داوری اردکانی (۱۳۸۲) استفاده شده است. سپس، طرحواره جدید حسی و طرحواره‌های ترکیبی حرکتی-قدرتی و فضایی-قدرتی هم برای دسته‌بندی دقیق‌تر پیشنهاد شده است. نتایج حاکی است طرحواره‌های حرکتی و قدرتی و ترکیب این دو بیشترین بسامد را در استعاره‌ها دارند. به

علاوه، هنوز تعدادی از استعاره‌های با بسامد بسیار در لغتنامه‌ها ثبت نشده که معلوم می‌کند حضور آنها در مرحله گذار از استعاره زنده به مرده است.

کلیدواژه‌ها: استعاره، سیاست، انرژی هسته‌ای، طرحواره‌های استعاره‌ای

مقدمه

بیشتر استعاره‌ها را عبارات زبانی خاصی با مفهوم و کاربردی خاص قلمداد می‌کردند، در واقع، فقط در حوزه ادبیات به این پدیده توجه می‌شد، اما امروزه استعاره صورتی فراگیرتر از گذشته یافته و به مبحثی گسترده در زبان‌شناسی و مطالعات تخصصی زبان تبدیل شده است. تعاملات زبان و ادبیات چنان گسترده و فراگیر است که نمی‌توان و نباید پدیده‌هایی چون استعاره را صرفاً در ساحت ادبیات تحلیل کرد، وانگهی، نمی‌توان فقط زبان روزمره را ابزار ارتباط آحاد بشر با یکدیگر دانست: زبان ادبیات هم نوعی ابزار ارتباطی است.

نفوذ استعاره و صورتهای تشبیهی در گفتار روزمره گویشوران در حوزه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی باعث شده در این مقاله به بررسی بسامد، نحوه کاربرد، و نوع استعاره‌ها در حوزه سیاست پرداخته شود. گرچه به نظر می‌رسد در حوزه‌های علمی-سیاسی - از جمله اخبار انرژی هسته‌ای - باید زبانی شفاف و خالی از هر گونه پیرایه و آرایه ادبی به کار گرفته شود، مشاهده می‌شود کاربرد استعاره‌ها در این حوزه نیز بسیار رایج است. البته این استعاره‌ها مسلماً از جهاتی با استعاره‌های ادبی - مانند میزان کاربرد و رواج معناشناختی آن بین گویشوران زبان و نزدیک بودن معنای آن به معادل‌های غیراستعاره‌ای - متفاوت است.

بر این اساس، پرسشهای زیر مطرح می‌شود:

۱. در استعاره‌های سیاسی در زمینه انرژی هسته‌ای چه طرحواره‌هایی بیشتر دیده می‌شود؟

۲. میزان کاربرد استعاره‌های زنده و مرده چقدر است؟

فرضیه‌های مربوط به این پرسشها عبارت‌اند از:

۱. احتمال می‌رود بیشتر طرحواره‌های زبان فارسی در این حوزه حرکتی و قدرتی باشد، زیرا

- به‌خصوص در گفته‌های مقامات ایران - دستیابی به فناوری هسته‌ای پیشرفتی عمده و حرکتی رو به جلو به شمار می‌رود و ایران در تمامی مراحل برای احقاق حقوق خود تلاش کرده از موضع قدرت با قدرتهای مخالف برخورد کند.

۲. قاعدتاً استفاده از استعاره‌های مرده یا، به عبارتی دیگر، استعاره‌های شناخته‌عموم و بی‌نیاز از تفسیر مجدد رواج بیشتری دارد. این استعاره‌ها این مزیت را هم دارند که می‌توان بدون استفاده از دیگر ادات تشبیه مقصود را با آنها بیان کرد.

۱ پیشینه

استعاره را، به نوعی، زیرمجموعه‌ای از صنعت تشبیه می‌دانند و «در سنت مطالعات ادبی، بحث درباره‌ی استعاره بدون توجه به صنعت تشبیه نارساست... در فن بیان، تشبیه در قالب جمله‌ای بیان می‌شود و دارای چهار جزء است: مشبه، مشبه به، وجه شبه و ادات تشبیه... استعاره زمانی تحقق می‌یابد که پس از حذف وجه شبه و ادات تشبیه... مشبه را نیز حذف کنیم و فقط مشبه به را به کار ببریم» (صفوی، همان: ۲۶۴-۲۶۳). نمونه‌های «کینه» برای «آدم سمج»، «آنتن» برای «آدم خبرچین» یا «آچار فرانسه» برای «آدم همه‌فن حریف» از این قبیل‌اند که ابتدا در جمله‌ای تشبیهی به کار رفته‌اند و بعد به مرور اجزای تشبیه حذف و مورد مشابهت به صورت مستتر مطرح می‌شود. اما، اکنون استعاره را پدیده‌ای مفهومی می‌دانند که ابعاد زبانی، هنری، و ابعادی دیگر از این دست دارد. نکته اینجاست که پژوهش درباره‌ی استعاره ماهیتاً زبان‌شناختی است و روش غالب تحقیق درباره‌ی آن استفاده از ابزار زبانی است. وانگهی، گرچه ظهور این پدیده در عرصه ادبیات بیشتر است، نباید در زبان روزمره و حتی زبان علم نادیده گرفته شود. یکی از راههای غالب بررسی در این باره بررسی استعاره در قالب علوم شناختی است. به عبارت دیگر، استعاره، از یک سو، به زبان مربوط است و، از سوی دیگر، به جهان خارج. تشبیه ابزار اتصال این دو است که در مفهوم استعاره مستتر شده است.

۱-۱ چرا استعاره؟

«دلایل زیادی برای استفاده افراد از استعاره در گفتار هست که تابع متغیرهای فیزیکی، شناختی، زبانی، اجتماعی، و فرهنگی است. مثلاً، مردم از واژه‌ها و عبارات استعاری خاصی استفاده می‌کنند، زیرا معمولاً درباره‌ی موضوعاتی خاص و اغلب انتزاعی با اصطلاحات استعاری فکر می‌کنند (شناختی)، زیرا هیچ راهی برای بیان معنیهای خاص در زبان نیست مگر استفاده از استعاره (زبانی)، زیرا می‌خواهند فرد دیگری را با واژه‌های خود تحت تأثیر قرار دهند یا ترغیب کنند (اجتماعی)، و/یا زیرا باورها و هنجارهای فرهنگی آنها به طور قراردادی در مضامین استعاری خاص (فرهنگی) رمزگذاری شده است» (Gibbs & Cameron, 2007: 2).

۲-۱ مطالعات سنتی و زبان‌شناختی استعاره

از آنجا که استعاره از دیرباز از صنایع ادبی و ابزار فن بیان شناخته و تعریف شده، ملل جهان در دورانهای مختلف مطالعات زیادی درباره آن انجام داده‌اند. این مطالعات به دو بخش سنتی و زبان‌شناختی تقسیم می‌شوند. اولی بیشتر به منظور بررسی قرآن و دیگر متون اسلامی و عربی بین مسلمانان رایج بوده و آنان، به نوعی، در این حوزه پیشتاز بوده‌اند. این را با مقایسه زمان آثار مکتوب در این حوزه به‌راحتی می‌توان مشاهده کرد. اثر فراء مثلاً به پیش از سال ۷۸۶ میلادی مربوط می‌شود. مورد دوم، یعنی مطالعه زبان‌شناختی، را هم بیشتر غربیان و دانشمندان دهه‌های متأخر انجام داده‌اند. به همین دلیل، ابتدا پیشینه مسلمانان در مطالعه سنتی استعاره آورده می‌شود.

۱-۲-۱ مطالعه سنتی استعاره

«در سنت مطالعه استعاره در میان مسلمانان و، به‌ویژه ایرانیان، از دو اصطلاح مستعار له و مستعار منه به ترتیب برای مشابه و مشابه به استفاده می‌شود» (صفوی، همان: ۳۶۸). «ابوزکریا یحیی بن زیاد کوفی ملقب به فراء (متوفی ۲۰۷ ق) در کتاب معانی القرآن به بحث درباره صناعات ادبی قرآن می‌پردازد و برخی از موضوعات از قبیل تشبیه، کنایه، و استعاره را مورد بحث قرار می‌دهد» (همان: ۲۳۰). این کتاب «نخستین پژوهشی است که در این زمینه در اختیار ماست... فراء استعاره را نامیدن چیزی بجز با نام اصلی‌اش معرفی می‌کند و همین تعریف است که جاحظ (متوفی ۲۲۵ ق) نیز الگوی کار خود قرار می‌دهد» (همان: ۲۶۵).

علمای دیگری، چون قدامة بن جعفر (متوفی ۳۳۷ ق)، رمانی (متوفی ۳۸۶ ق)، ابوهلال (متوفی ۳۹۵ ق)، و عبدالله معتز (متوفی ۳۹۶ ق)، هم هر یک تعاریفی مشابه پیش نهاده و استعاره را کاربرد لفظ در غیر از معنی اصلی خود و برای بیان مفهومی جدید معرفی کرده است. اما «به نظر می‌رسد دقیق‌ترین پژوهش در زمینه استعاره را بتوان به عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۴ ق) نسبت داد. وی در اسرارالبلاغه به این نکته اشاره دارد که، در ساخت استعاره، نام اصلی شیء از آن جدا می‌شود و نام دومی جایگزین آن می‌گردد. به اعتقاد وی، در برقراری پیوند استعاره، رعایت شباهت ظاهری و ارتباط عقلی مهم است و استعاره بر حسب همین تشابه پدید می‌آید. آنچه جرجانی درباره استعاره به دست می‌دهد الگوی کارهای پس از او قرار می‌گیرد و کم‌وبیش بدون تغییری محسوس تا به امروز در مطالعات سنتی دیده می‌شود. بر اساس آراء جرجانی، استعاره نوعی جانشینی معنایی بر حسب تشابه است و این دقیق‌ترین

تعریفی است که دربارهٔ این فرایند می‌توان به دست داد. وی، برای تعیین چند و چون این تشابه، به این نکته اشاره دارد که جانشینی مشابه به به جای مشابه تنها به دلیل وجود یک صفت مشترک صورت می‌پذیرد» (همان: ۲۶۶).

۲-۲-۱ مطالعهٔ زبان‌شناختی استعاره

سنت مطالعهٔ استعاره به غرب و به ارسطو می‌رسد. ارسطو استعاره را شگردی برای هنرآفرینی می‌دانست و معتقد بود استعاره ویژهٔ زبان ادب است و، به همین دلیل، باید در میان فنون و صناعات ادبی بررسی شود. این همان نگرش کلاسیک به استعاره است. نگرش دیگر به استعاره به قرون هجدهم و نوزدهم مربوط می‌شود که، به دلیل بینش حاکم بر آن عصر، رمانتیک نامیده می‌شود. استعاره در این نگرش محدود به زبان ادب نمی‌شد و لازمهٔ زبان و اندیشه برای بیان جهان خارج به شمار می‌رفت. استعاره در نگرش رمانتیک شاهی برای نقش تخیل در مفهوم‌سازی و استدلال قلمداد می‌شد و، در نتیجه، تمایزی بین زبان خودکار و زبان ادب مطرح نبود (همان: ۳۶۹).

به هر روی، تحقیق در زمینهٔ استعاره و ماهیت آن همواره علاقه و توجه زبان‌شناسان را جلب کرده است. صفوی (همان: ۲۶۷) بر آن است که نتایج پژوهشهای زبان‌شناسان معاصر مطلب جدیدی به نکاتی که جرجانی مطرح کرده اضافه نکرده که بتوان مدعی طرح تازهٔ زبان‌شناسان در این باره شد:

از همان آغاز مطالعه در حوزهٔ معنی‌شناسی و معرفی این دانش از سوی برآل^۱ (۱۸۹۷)، استعاره همواره به منزلهٔ مسئله‌ای مهم مورد توجه قرار گرفته است. برآل در رساله‌ای در معنی‌شناسی استعاره را یکی از مهم‌ترین فرایندهای تغییر معنی ذکر می‌کند و از آنجا که آنچه او *semantique* نامیده بود امروزه معنی‌شناسی تاریخی تلقی می‌شود، بخش عمده‌ای از نوشتهٔ وی به همین فرایند و توصیف آن اختصاص یافته است...

آنچه در میان معنی‌شناسان برای معرفی استعاره تاکنون متداول بوده است چیزی بیش از گفتهٔ عبدالقاهر جرجانی نیست و دقیقاً همان نکته‌ای است که یاکوبسون^۲ (۱۹۶۸) نیز برای معرفی چگونگی عملکرد استعاره به دست می‌دهد، یعنی انتخاب نشانه‌ای به جای نشانهٔ دیگر از روی محور جانشینی و بر حسب تشابه (همان: ۲۶۷).

بنا به نظر رایمر و کمپ (Reimer & Camp, 2006)، تا پیش از انتشار مقالهٔ «استعاره» ماکس بلک^۳ در ۱۹۶۲، استعاره چندان در کانون توجه فیلسوفان تحلیلی نبود. در آن دوران،

1. Breal

2. Jacobson

3. Max Black

اثبات‌گرایان منطقی (logical positivists) هیچ ویژگی شناختی برای استعاره قائل نبودند؛ چه، تصور آنها بر این بود که استعاره معیارهای ضروری برای معنی‌داری — یعنی شرایط اثبات (verification conditions) — را ندارد. پس، به نظر آنها، گفتار استعاری محتوای شناختی ندارد، بلکه فقط به کمک برانگیخته شدن احساسات و تصورات شنوندگان می‌آید.

در میان منطقیون، استعاره کلامی غیرحقیقی تلقی شده که اعتبار گزاره‌ای ندارد. قابل توجه است در ملاحظات منطقی زبانی معنی زبانی در قالب شرط صدق گزاره‌های زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مفهوم، محتوای گزاره‌ای جملات خبری زبان، با توجه به امکان تطابق یا عدم تطابق آنها با واقعیات جهان خارج، ارزش صدق یا کذب به دست می‌آورد. به این ترتیب، از آنجا که مقایسه محتوای گزاره‌ای استعارات با واقعیات میسر نیست، منطقیون استعاره را فاقد اعتبار گزاره‌ای می‌دانند. اندیشمندانی چون آگوستین، توماس آکوئیناس، و فلاسفه متأخرتری چون دیدرو، ولتر، و گِرت استعاره را، از آن روی که بر مبنایی مقایسه‌ای و غیرمستدل استوار است، بی‌ارزش شمرده‌اند... در قرن بیستم نیز کماکان برخی از فیلسوفان زبان، مانند ویتگنشتاین، بلک و کینتس، روان‌شناس زبان، استعاره را به مثابه نمونه‌ای از عملکرد کذب در زبان مطرح می‌کنند (افراشی، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۵).

یا:

اما در این میان، از قرن ۱۸ به بعد جنبشی فکری با هدف ارزشمند شمردن استعاره به همت ویکو آغاز شد. از آن پس، به نام اندیشمندانی چون روسو، هامان در ایتالیا، هردر، گوته، و ژان پل که همگی جایگاه ویژه‌ای برای استعاره در سیر تکوین زبان قائل‌اند. برگسون و گاست تصویرسازی ناشی از استعاره را ابزاری مهم در «شناخت» به شمار می‌آورند (همان: ۱۶).

به نوشته رایمر و کمپ (*Ibid.*) و با انتشار مقاله بلک و طرح نظریه «تعامل» (interaction)، فیلسوفان تحلیلی برای «محتوای شناختی» انکارناپذیر استعاره توجه شایانی به استعاره کردند. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ انبوهی از مقاله‌های علمی درباره استعاره منتشر شد که، علاوه بر فیلسوفان زبان، نظریه‌پردازان ادبی، نظریه‌پردازان علوم، زبان‌شناسان، روان‌شناسان، و دیگر دانشمندان علوم شناختی هم در آنها دست داشتند. از این رهگذر، نظریه‌پردازان — به‌خصوص فیلسوفان زبان — توانستند به موضوعات معنی و صدق هم بپردازند.

۳-۱ استعاره زنده و استعاره مرده

استعاره ماهیتی ذهنی است و به صورت الگویی فکری به کار می‌رود. کاربرد استعاره در زبان منتج به زاینده‌گی می‌شود و مهم‌ترین ویژگی آن فرایند تطبیق است. اما «استعاره‌هایی که بارها و به یک صورت استفاده می‌شوند نقش تطبیقی خود را از دست می‌دهند و مردم بدون

ایجاد رابطه منطقی بین جزئیات استعاره و جزئیات زمینه هدف آن را به کار می‌برند» (Johnstone, 2008:28). در این حالت، استعاره، مرده محسوب می‌شود:

نخستین بار، سادوک (۱۹۷۴) و بلک (۱۹۶۲) بین استعاره زنده (live metaphor) و استعاره مرده (dead metaphor) تمایزی ظریف قائل شدند. به اعتقاد سادوک، استعاره زنده استعاره جدیدی است که کاربرد عام نیافته و هنوز در فهرست واژگان زبان ثبت نشده است. در عوض، استعاره مرده انتخابی است که در گذشته صورت پذیرفته و به فهرست واژگان زبان راه یافته است (صفوی، همان: ۲۶۷).

اما بنا بر نظر صفوی (همان: ۲۶۸)، این نوع دسته‌بندی چندان معتبر نیست، زیرا از یک سو نمی‌توان با قطعیت مرز بین آنها را تعیین کرد و از سوی دیگر تشخیص واژه‌های استعاری از غیراستعاری راحت نیست. اونگر و اشمید (Ungerer & Schmid, 2006) نیز معتقدند از دیدگاهی شناختی، بین استعاره مرده و زنده هیچ تمایزی وجود ندارد، زیرا هر چه آگاهی ما خودکارتر و ناخودآگاه‌تر و دسترسی به آن بدون دردسرتر باشد، آن ساخت درونی‌تر و زنده‌تر است. پس، از منظری شناختی، مهم‌ترین استعاره‌ها آنهایی‌اند که ناخودآگاه و در طول زمان وارد زبان شده‌اند.

۱-۴ استعاره در حوزه معنی‌شناسی شناختی

معنی‌شناسان شناختی در واقع پیرو نگرش رمانتیک به استعاره‌اند و آن را پدیده‌ای جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره می‌دانند.

استعاره پدیده‌ای شناختی است که در زبان روی می‌نماید و کمکی است برای یافتن پاسخ به بسیاری از سازوکارهای زبانی متفاوت مانند چندمعنایی واژگانی (بروگمن، ۱۹۸۸)، چندمعنایی ساختاری (گلدبرگ، ۱۹۹۵) و تغییرات تاریخی (سوئیتسر، ۱۹۹۰). اما استعاره در موقعیتهای غیرزبانی هم حضور دارد — مانند اشاره (مکنیل، ۱۹۹۲) و هنر (سوریانو، ۲۰۰۵). این موضوع به این تصور مربوط است که استعاره یکی از راههای فکرکردن است و در نتیجه زیربنای هر نوع بیان تفکرات است (Valezuela & Soriano, 2005:3).

یا:

یکی از پیشرفتهای عمده در تحقیقات استعاره در سی سال گذشته این نظریه است که استعاره صرفاً یکی از صنایع ادبی نیست، بلکه تصویرسازی (mapping) خاص ذهنی و عصبی است که بر بخش گسترده‌ای از تفکرات، توجیهات، و تخیلات افراد در زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد (گیبز، ۱۹۹۴، ۲۰۰۶؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۹۹). مثلاً «استعاره‌های مفهومی» ویژه — مانند «زندگی سفر

است» - اطلاعات مرتبط را از زمینه منبع (یعنی «سفر») گرفته و به زمینه‌ای انتزاعی‌تر (یعنی «زندگی») منتقل و تصویرسازی می‌کند (Gibbs & Cameron, *ibid.*: 2).

استعاره در زبان‌شناسی شناختی از ابتدا زیرمجموعه تعیین روابط فکر و زبان قلمداد شده است. در این رویکرد بیشتر بر نقش استعاره در ایجاد شناخت تمرکز می‌شود.

از منظر زبان‌شناسی شناختی، استعاره سازوکار بنیادین شناختی است که، در آن، یک زمینه (field) تجربه شده و آشنا به زمینه‌آشنای دیگری تشبیه می‌شود و زمینه دوم تا حدی بر مبنای زمینه اول شناخته و درک می‌شود. زمینه اول را *زمینه منبع* (source) یا *اهداننده* (donor) و زمینه دوم را *زمینه هدف* (target) یا *دریافت‌کننده* (receiver) می‌نامند. هر یک از این دو زمینه باید به زمینه‌های فراگیر (superordinate) متفاوتی تعلق داشته باشند. این را فرایند تطبیق می‌خوانند. این تعریف مفهوم پایه استعاره از نظر شناختی است که لیکاف، مارک جانسون، مارک ترنر، و دیگران در بررسی‌های خود طرح کرده‌اند (Velasco-Sacristán & Fuertes-Olivera, 2005).

زبان‌شناسی شناختی آشکار می‌سازد استعاره‌های مفهومی در نحوه درک و سخن گفتن افراد از زمینه‌های انتزاعی متعدد - مانند احساسات، ذهنیات، سیاست، تبلیغ، نظریه‌های علمی، ضمیر انسانها، اخلاقیات، آموزش، و حل مسئله - تأثیر می‌گذارد، تکامل تاریخی معنی واژگان و عبارات را می‌سازد، و تفسیر افراد را از تعمیم جدید استعاره‌های قراردادی، معناهای مرتبط با هم در واژه‌های چندمعنا، و رفتارهای غیرکلامی - مانند اشاره - شکل می‌دهد... [به این ترتیب،] محققان بسیاری معتقدند که زبان استعاری بین اعضای گروه صمیمیت ایجاد می‌کند، اما همزمان آنانی را که نمی‌توانند زبان استعاری درون‌گروهی را درک کنند حذف و بیرون می‌کند (Gibbs & Cameron, *ibid.* 3).

برای مطالعه و آشنایی بیشتر با استعاره‌های مفهومی، که بی‌شمار است، به فهرست استعاره‌های مهم لیکاف (Lakoff's Master Metaphor List) در <http://cogsci.berkeley.edu/lakoff/metaphors> به صورت برخط مراجعه کنید.

۱-۵ طرحواره‌های تصویری

از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی، «معنی بر ساخت مفهومی قراردادی مبتنی است. به این ترتیب، ساختهای معنایی - همچون دیگر حوزه‌های شناختی - مقولاتی ذهنی را آشکار می‌سازد که حاصل تجربیات انسانهاست، یعنی انسان تجربیاتی را از جهان خارج کسب و در ذهن خود به صورت مفاهیمی انبار می‌کند. این مفاهیم را باید بتوان در ایجاد ارتباط به کار برد؛

بنابراین، باید قراردادی باشند. استعاره در پژوهش‌های لیکاف و جانسون عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدنمان است و به ساختهای بنیادین دیگری، از قبیل طرحواره‌های تصویری یا فضاهای ذهنی و...، مربوط می‌شود (Ungerer & Schmid, *ibid.*). برای توجیه مفهوم‌سازی استعاره در علوم شناختی از طرحواره‌ها استفاده می‌شود. این طرحواره‌ها غالباً تصویری‌اند، یعنی بر اساس الگوی شناختی و مفاهیم بنیادین ذهن ما شکل می‌گیرند. از این مفاهیم و ساختهای حاصل از آنها برای توصیف موضوعات انتزاعی و اندیشیدن به آنها استفاده می‌شود. صفوی (همان: ۳۷۶-۳۷۴) طرحواره‌های تصویری را به سه صورت ارائه کرده است: طرحوارهٔ حجمی (containment schema؛ مانند «رفته تو فکر؛ توی این گیرودار»)، طرحوارهٔ حرکتی (path schema؛ مانند «برای رسیدن به موفقیت؛ در مسیر دستیابی به هدف»)، طرحوارهٔ قدرتی (force schema؛ مانند «سد کنکور؛ عبور از همه موانع»).

داوری اردکانی (همان) نیز طرحواره‌ای دیگر به این سه مورد افزوده و معرفی کرده است: طرحوارهٔ فضایی (spatial schema؛ مانند «روحم پرواز کرد؛ بیمار افتاده گوشهٔ خانه»). از آنجا که این چهار طرحواره پاسخگوی تمام مقوله‌بندیهای مثالهای این پژوهش نیست، طرحوارهٔ حسی (sense schema) نیز پیش کشیده می‌شود که بر مفهوم‌سازیهای بر اساس حواس پنجگانه استوار است.

البته به نظر می‌رسد که این طرحواره‌ها در مواردی با هم همپوشانی دارند. از باب نمونه، در بیشتر موارد مثالهای مربوط به طرحوارهٔ فضایی و حجمی را نمی‌توان راحت از هم تشخیص داد. از سویی، بعضی استعاره‌ها را می‌توان همزمان مربوط به دو طرحواره دانست، یعنی می‌توان ترکیبی از دو طرحواره را در یک استعاره دید — مانند طرحواره‌های حرکتی - قدرتی، فضایی - قدرتی.

۱-۶ استعاره در زبان سیاست

سیاستمداران برجسته از قدیم همواره با کلام و بلاغت گفتار خود مخاطبان خود را متقاعد کرده یا حتی شکست داده‌اند. به عبارتی دیگر، کلام دقیق، بلیغ، و تأثیرگذار از خصوصیات جدانشدنی سیاستمداران موفق است؛ کما اینکه امروزه بسیاری از سیاستمداران برای سخنرانیهای خود در صحنه‌های گوناگون — مانند جلب نظر عموم برای تصمیم‌گیری، انتخابات، بسیج ملت برای حرکتی در سطح ملی، و موضوعاتی از این دست — از گروهی کارشناس

استفاده می‌کنند تا متن سخنرانی مناسبی برای آنها تهیه کنند. در این میان، استفاده از استعاره هم بر زیبایی و وجاهت کلام می‌افزاید و هم منظور گوینده را بدون توضیحات اضافی و بر اساس مفاهیم مشترک گویشوران آن زبان ادا می‌کند.

الفاظ استعاری سیاست بیش از علم است. گفتار سیاسی نوعی علم‌البیان قدیمی است که استعاره جزء انفکاک‌ناپذیر آن است. «بوید» به دو نوع استعاره قائل است: استعاره تبیینی و استعاره مفهوم‌ساز. وقتی این استعارات را از ساحت علم به ساحت سیاست می‌بریم، باید به سابقه بلاغی آنها توجه داشته باشیم. هدف بلاغت سیاسی متقاعد کردن است... استعاراتی که بسیاری از سیاستمداران به کار می‌برند ترکیبی از تبیینات خیلی ساده با تأثیرات قوی احساسی هستند (داوری اردکانی، همان: ۴۸۰)؛ به عبارت دیگر، این استعاره‌ها با استفاده از فرایندهای شناختی طبیعی به ما کمک می‌کنند که مطالب پیچیده طبیعت و جامعه را از طریق طبقات معمولاً عینی و ساده درک کنیم. «در سیاست، استفاده از استعاره معمولاً با هدف تحت تأثیر قرار دادن یا متقاعد کردن صورت می‌گیرد. از این جهت استعاره‌های سیاسی علاوه بر تبیین، سازنده مفاهیم جدید هم هستند» (همانجا).

۲ روش کار

در این تحقیق، استعاره‌های متداول در متون سیاسی روزنامه همشهری در اخبار مربوط به انرژی هسته‌ای بررسی شده است. به همین منظور، بخش اخبار سیاسی روزنامه همشهری در دو ماه آذر و دی سال ۱۳۸۵ بررسی شد.

طی این مدت، ایران و کشورهای غربی و شرقی موافق و مخالف بر سر دستیابی به این انرژی آراء و گفته‌های مختلفی را ابراز کرده‌اند و کشورهای ۱+۵ درگیر تصویب شدن یا نشدن قطعنامه ۱۷۳۷ علیه فعالیتهای هسته‌ای ایران بودند و ایران نیز واکنشهایی مناسب بروز داد. طرز بیان سیاسی رایج بین سیاستمداران، مسئولان، تحلیلگران، و گزارشگران داخلی در این ماجرا شایان توجه است. تأکید می‌شود که متون استفاده‌شده غالباً داخلی بوده و متون ترجمه‌شده از مقاله‌های خارجی کنار گذاشته شده است تا عبارات گرت‌برداری‌شده احتمالی در تفسیر استعاره‌ها وارد نشود. دلیل انتخاب این دو ماه از آن روست که این زمان آغاز راه لغو تعلیق غنی‌سازی و واکنشهای متعاقب آن بود. همچنین می‌توان مطالعه‌ای مقایسه‌ای بین ماههای اوج درگیریهای لفظی طرفین در سالهای مختلف و با توجه به رویکردهای نظام در این سال و سالهای بعدی انجام داد.

پس از جمع‌آوری جمله‌ها و عبارتهای روزنامه همشهری، که در آنها استعاره به کار برده

شده بود، این استعاره‌ها مشخص و بر اساس طرحواره‌ها دسته‌بندی شدند. در نهایت درصدی از نسبت طرحواره‌ها و نسبت استعاره‌های مرده و زنده حاصل شده است. استعاره‌های موجود در جمله‌ها با حروف سیاه مشخص شده و سپس معنا و طرحواره هر یک داده شده است. در مرحله بعد، متداول‌ترین معانی آنها در فرهنگ معاصر فارسی صدری افشار بررسی شد. چنانچه استعاره در مدخل‌های این فرهنگ علامت [مجازی] داشته باشد، در این مقاله با (ل.) به معنی «موجود در فرهنگ» مشخص شده است. البته بعضی از این عبارات، با وجود کنایه‌آمیز بودن، در فرهنگ معاصر فارسی صدری افشار مدخل عادی محسوب شده‌اند و علامت [مجازی] ندارند.

۲-۱ داده‌ها

آذرماه ۱۳۸۵

۱. «سه کشور اروپا خود را نماینده اتحادیه اروپا می‌دانستند و پشت پرده هم آنها با امریکا هماهنگ می‌کردند و ما با روس، چین و غیر متعهدها هم روابط تنگاتنگ داشتیم» (حسن روحانی، ۸۵/۹/۱).

پرده: آنچه مانع خوب دیده یا شناخته شدن چیزی می‌شود [طرحواره قدرتی] (ل.)؛
پشت پرده: پنهانی، دور از چشم دیگران [طرحواره حجمی] (ل.) «همچنین پس پرده»؛
روابط تنگاتنگ: نشان‌دهنده نزدیکی بسیار در روابط [طرحواره حجمی] (ل.).

۲. «اروپا آن زمان شمشیر کوچک و کندی چون اژانس در اختیار داشت و امروز شمشیر برنده‌تری چون شورای امنیت در اختیار دارد» (همانجا).

شمشیر: نشان‌دهنده ابزاری تهدیدآمیز [طرحواره قدرتی] (ل.) در ترکیب با افعال مختلف برای تهدید و جنگ استفاده می‌شود؛

شمشیر کوچک و کند: ناکارایی لازم ابزار [طرحواره قدرتی]؛
شمشیر برنده: مفیدتر بودن ابزار در پیشبرد کار [طرحواره قدرتی].

۳. «باید توان خود را به کار بگیریم تا... طرف مقابل را پای میز مذاکره بکشانیم» (همانجا).

میز مذاکره: جلسه مذاکره [طرحواره حجمی] (ل.)؛
پای میز مذاکره کشاندن: استفاده از فشار برای وادار کردن به مذاکره [طرحواره حرکتی] - قدرتی].

۴. «حزب‌الله روی پای خود ایستاده...» (همانجا).
 روی پای خود ایستادن: از کمک یا پشتیبانی دیگران بی‌نیاز شدن [طرحواره حرکتی- قدرتی] (ل.).
۵. «وزن جمهوری اسلامی در منطقه بیشتر است و مانورهای اخیر هم نشان می‌دهد توانایی ما به مراتب از گذشته بیشتر است» (همانجا).
 وزن: توان و اهمیت راهبردی کشور، ارزش و اعتبار [طرحواره قدرتی] (ل.).
۶. «ایران پرچمدار اندیشه الهی در دنیاست» (احمدی‌نژاد، ۸۵/۹/۱).
 پرچمدار: پیشاهنگ و معرفی‌کننده یک آرمان یا فرایند [طرحواره حرکتی - قدرتی] (ل.).
۷. «روسیه از احتمال برگزاری نشست کشورهای ۵+۱ ... در اواسط هفته آینده خبر داد» (۸۵/۹/۱۰).
 نشست: عمل یا فرایند گردهمایی چند نفر در یک جا برای گفتگو، جلسه [طرحواره حرکتی] (ل.).
۸. «با تکیه بر دانشمندان جوان و نیروهای بومی به این افتخار نایل شده‌ایم» (احمدی‌نژاد، ۸۵/۹/۲۸).
 تکیه بر [چیزی/ کسی کردن]: پشتگرم بودن به چیزی/ کسی [طرحواره قدرتی] (ل.).
- دی‌ماه ۱۳۸۵
۹. «اگر این قطعنامه تصویب شود، دو سنگ در مسیر حل موضوع انداخته‌اند» (علی لاریجانی، ۸۵/۱۰/۲).
 سنگ در مسیر انداختن: مانع ایجاد کردن [طرحواره حرکتی- قدرتی] (ل.)؛
 مسیر انجام دادن کاری (حل موضوع): فرایند انجام دادن کار یا اجرای مقصود [طرحواره حرکتی].
۱۰. «شورای امنیت... حتی در برابر آن [سلاحهای اتمی اسرائیل] خم به ابرو نیاورد» (محمدجواد ظریف، ۸۵/۱۰/۲).
 خم به ابرو نیاوردن: سختی و دشواری را بی‌شکایت تحمل کردن، مباح گرفتن مسئله‌ای نپذیرفتنی [طرحواره حرکتی- قدرتی] (ل.).

۱۱. «شورای امنیت» با این کار خود بار مسئولیت دهها هزار تن از ایرانیانی را که هنوز هم از عوارض سلاحهای شیمیایی رنج می‌برند و به شهادت می‌رسند به دوش می‌کشد» (همانجا).
- بار مسئولیت: سنگینی و فشار مسئولیت [طرحواره قدرتی]؛
به دوش کشیدن: دشواری و سختی را تحمل کردن [طرحواره حرکتی - قدرتی] (ل).
۱۲. «... ایران را مجبور کنند که از حقوق حقه خود دست بردارد» (همانجا).
- دست برداشتن از چیزی: از چیزی یا کاری چشم پوشیدن و آن را رها کردن [طرحواره حرکتی] (ل).
۱۳. «... مردمی که بانیان قطعنامه این روزها به نحوی مزورانه سنگ آنها را بر سینه می‌زنند» (همانجا).
- سنگ کسی/ چیزی را به سینه زدن: به سود یا به خاطر آن تلاش کردن [طرحواره حرکتی] (ل).
۱۴. «این تلاش آنها نیز خریداری نخواهد داشت» (همانجا).
- خریدار داشتن: مورد توجه بودن [طرحواره حرکتی] (ل).
۱۵. «جمهوری اسلامی ایران این گونه اقدامات شورای امنیت را در راستای اعمال آپارتاید هسته‌ای و تقسیم جهان به شمال و جنوب در برخورداری فناوری پیشرفته می‌داند» (وزارت امور خارجه، ۸۵/۱۰/۲).
- تقسیم جهان به شمال و جنوب: اشاره به تقسیم‌بندی جهان به کشورهایی که می‌توانند و نمی‌توانند انرژی هسته‌ای داشته باشند [طرحواره فضایی].
۱۶. «ایران بایستی رسماً تمام همکاریهای خود را با اتحادیه اروپا و شورای مدیران سازمان انرژی هسته‌ای به حالت تعلیق درآورده...» (پیروز مجتهدزاده، ۸۵/۱۰/۲).
- به تعلیق درآوردن: بلا تکلیف ماندن کار [طرحواره فضایی] (ل).
۱۷. «امروز تنها راه پایان دادن به این موضوع آن است که به اروپا و شورای امنیت اعلام کنیم که تمامی فعالیت‌هایمان با آنها را تا بازگشت پرونده به شورای حکام معلق می‌کنیم» (همانجا).
- راه پایان دادن به یک موضوع: فرایندی که برای ختم موضوعی طی می‌شود [طرحواره حرکتی].

۱۸. «با توجه به مواضع شفاف ایران در خصوص فعالیتهای هسته‌ای، ایران می‌تواند ... مدافع خوبی برای استفاده صلح‌آمیز کشورها از انرژی هسته‌ای باشد (۸۵/۱۰/۳).
- موضوع: جایگاه، جانب [طرح‌حواره فضایی]؛
شفاف: بدون ابهام و پنهانکاری [طرح‌حواره حسی] (ل).
۱۹. «نباید میدان را خالی کنیم» (بر، ۸۵/۱۰/۴).
- میدان: جای فعالیت یا عمل [طرح‌حواره فضایی] (ل)؛
خالی کردن میدان: کنار گذاشتن فعالیت و عمل [طرح‌حواره حرکتی].
۲۰. «نمی‌گذارند بشریت لذت امنیت را بچشد» (احمدی‌نژاد، ۸۵/۱۰/۴).
- لذت امنیت: جذاب و مطلوب بودن امنیت [طرح‌حواره حسی]؛
چشیدن چیزی: آزمودن [طرح‌حواره حسی] (ل).
۲۱. «هنوز بر موضع خود در جهت ازسرگیری مذاکرات باقی هستیم» (علی لاریجانی، ۸۵/۱۰/۶).
- بر موضع باقی بودن: حفظ هدف و موقعیت [طرح‌حواره فضایی - قدرتی]؛
ازسرگیری: شروع کردن یک کار [طرح‌حواره فضایی].
۲۲. «محمود احمدی‌نژاد ... دستیابی جوانان و متخصصان ایرانی به فناوری تولید آب سنگین را گام دیگری در مسیر تعالی و توفیق ملت ایران برشمرد» (۸۵/۱۰/۷).
- در مسیر چیزی گام برداشتن: قدم برداشتن رو به جلو [طرح‌حواره حرکتی] (تفاوت این مورد با مورد ۹ در «گام برداشتن» است).
۲۳. «جوانان ما عزم خود را برای فتح قله‌های بلند پیشرفت و فناوری جزم کرده‌اند» (احمدی‌نژاد، ۸۵/۱۰/۷).
- قله: بلندترین یا بالاترین نقطه [طرح‌حواره فضایی] (ل)؛
فتح قله: رسیدن به غایت هدف؛ کسب موفقیت عظیم [طرح‌حواره حرکتی].
۲۴. «[برخی قدرتهای زورگو] تصور می‌کنند که دیگران نیز مانند آنها هستند زیرا همه را با عینک دید خود می‌بینند» (همانجا).
- قدرت: اشاره به دولتهایی است که تسلط، نفوذ، یا تأثیر دارند [طرح‌حواره قدرتی] (ل)؛
با عینک دید خود دیدن: بنا به طرز تفکر خود دیدن [طرح‌حواره حسی].

۲۵. این طرح که با اکثریت قاطع نمایندگان مجلس به تصویب رسیده است دست دولت را باز کرده... (۸۵/۱۰/۷).

دست کسی را باز کردن: امکان لازم برای انجام کاری دادن/ داشتن؛ فرصت و اختیار دادن به کسی [طرحواره حرکتی - قدرتی] (ل.).

۲۶. «ایران... بهزودی کلید تولید سوخت هسته‌ای برای مصارف صنعتی را خواهد زد» (احمدی‌نژاد، ۸۵/۱۰/۱۴).

کلید زدن: به کار انداختن یک دستگاه یا آغاز یک فرایند [طرحواره حرکتی] (ل.).

۲۷. ملت ایران ایستاده و با مشت‌های گره‌کرده بر حق خود در استفاده از انرژی هسته‌ای تأکید می‌کند (۸۵/۱۰/۱۶).

ایستاده (= ایستادگی): با پایداری [طرحواره قدرتی]؛

مشت‌های گره‌کرده: مصمم برای پایداری [طرحواره حرکتی - قدرتی] (ل.).

۲۸. «... عملاً پس از دو سال فعالیت دیپلماتیک همین دوستان، سرانجام ایران دست‌های خود را بالا ببرد به طوری که آقای بلر در بازدید از سربازان خود در بصره شادمانه گفت میوه تهاجم به عراق را در تهران چیدیم (۸۵/۱۰/۱۹).

دست‌ها را بالا بردن: تسلیم شدن [طرحواره حرکتی]؛

چیدن میوه: نتیجه گرفتن [طرحواره حرکتی]؛

۳ نتیجه

۳-۱ گزارش یافته‌ها

از این جملات خبری، در مجموع، ۴۳ استعاره استخراج شد که از این تعداد، به ترتیب ۲۷٫۹۰۶٪ طرحواره حرکتی، ۲۰٫۹۳۰٪ طرحواره قدرتی، ۱۸٫۶۰۴٪ طرحواره ترکیبی حرکتی - قدرتی، ۱۳٫۹۵۳٪ طرحواره فضایی، ۹٫۳۰۳٪ طرحواره حسی، ۶٫۹۷۶٪ طرحواره حجمی، و ۲٫۳۲۵٪ طرحواره ترکیبی فضایی - قدرتی است.

۲۴ مورد از کل استعاره‌ها (یعنی ۵۷٫۱۴٪) در فرهنگ معاصر فارسی ثبت شده که نشان از رواج و استفاده مکرر از آنها دارد. از این تعداد ۱۵ مورد (۳۵٫۷۱٪) برچسب «کنایی» دارند. چنین استعاره‌هایی در استفاده روزمره از جمله روزنامه و سخنان افراد بیشتر به کار می‌روند و

خواننده/ شنونده کمتر به استعاری بودن آنها توجه می‌کند؛ به عبارت دیگر، بنا به تعاریفی که ذکر شد و بدون در نظر گرفتن حوزه شناختی، غالباً استعاره‌هایی مرده‌اند. بقیه استعاره‌ها هم عبارات یا واژه‌های استعاری جدیدی‌اند که احتمالاً حاصل ابتکار عمل گوینده/ نویسنده بوده است.

۳-۲ تحلیل یافته‌ها

طبق یافته‌های این تحقیق، همان طور که انتظار می‌رفت، طرحواره حرکتی و پس از آن طرحواره قدرتی بیشترین سهم را در بین استعاره‌های سیاسی دارد، زیرا از یک سو در گفته‌های طرفهای ایرانی دستیابی به فناوری هسته‌ای پیشرفتی عمده و حرکتی رو به جلو به شمار می‌رود و ایران در تمام مراحل برای احقاق حقوق خود تلاش کرده از موضع قدرت با مخالفان برخورد کند. از سوی دیگر، این ممکن است حاکی از دیدگاه و جهان‌بینی فارسی‌زبانان باشد و می‌توان گفت آنها طرحواره‌های حرکتی را ترجیح می‌دهند. شاید به این دلیل که با تصورات ذهنی و شناختی گویشوران از جهان پیرامون هماهنگی بیشتری دارد و امکان تصور آن به دلیل وجود نموده‌های عینی در اطراف راحت‌تر است. البته امکان دارد این تحلیل موضوعی برای تحقیق مفصل و مستقلی تلقی شود.

در مورد سؤال دوم، با توجه به درصد بیشتر استعاره‌های دارای مدخل در فرهنگ، می‌توان دید که گوینده/ نویسنده ترجیح می‌دهد از عباراتی استفاده کند که منظور را با کمترین ابهام و کمترین واژگان بهتر به مخاطب القا کند. به علاوه، در فرهنگ معاصر فارسی استعاره‌هایی بودند

جدول ۱. توزیع استعاره‌های مرده و زنده

| | |
|--|----------------------------|
| پرده، پشت پرده، روابط تنگاتنگ، شمشیر، میز مذاکره، روی پای خود ایستادن، وزن، پرچمدار، نشست، تکیه بر [چیزی/ کسی کردن]، سنگ در مسیر انداختن، خم به ابرو نیاوردن، به دوش کشیدن، دست برداشتن از چیزی، سنگ کسی/ چیزی را به سینه زدن، خریدار داشتن، به تعلیق درآوردن، شفاف، میدان، چشیدن چیزی، قله، قدرت، دست کسی را باز کردن، کلید زدن، مشت‌های گره‌کرده | استعاره‌های مرده (۲۴ مورد) |
| شمشیر کوچک و کند، شمشیر برنده، پای میز مذاکره کشاندن، مسیر انجام دادن کاری، بار مسئولیت، تقسیم جهان به شمال و جنوب، راه پایان دادن به یک موضوع، خالی کردن میدان، لذت امنیت، بر موضع باقی بودن، ازسرگیری، در مسیر چیزی گام برداشتن، فتح قله، با عینک دید خود دیدن، ایستاده، دستها را بالا بردن، چیدن میوه | استعاره‌های زنده (۱۹ مورد) |

جدول ۲. توزیع طرحواره‌ها در استعاره‌ها

| درصد | تعداد | استعاره‌ها | طرحواره‌ها |
|--------|-------|--|----------------------|
| ۲۷٫۹۰۶ | ۱۲ | نشست، مسیر انجام دادن کاری، دست برداشتن از چیزی، سنگ کسی/ چیزی را به سینه زدن، خریدار داشتن، راه پایان دادن به یک موضوع، خالی کردن میدان، در مسیر چیزی گام برداشتن، فتح قله، کلید زدن، دستها را بالا بردن، چیدن میوه | طرحواره حرکتی |
| ۲۰٫۹۳۰ | ۹ | پرده، شمشیر، شمشیر کوچک و کند، شمشیر برنده، وزن، تکیه بر [چیزی/ کسی کردن]، بار مسئولیت، قدرت، ایستاده | طرحواره قدرتی |
| ۱۸٫۶۰۴ | ۸ | پای میز مذاکره کشاندن، روی پای خود ایستادن، پرچمدار، سنگ در مسیر انداختن، خم به ابرو نیاوردن، به دوش کشیدن، دست کسی را باز کردن، مشت‌های گره‌کرده | طرحواره حرکتی- قدرتی |
| ۱۳٫۹۵۳ | ۶ | تقسیم جهان به شمال و جنوب، به تعلیق درآوردن، موضع، میدان، ازسرگیری، قله | طرحواره فضایی |
| ۹٫۳۰۳ | ۴ | شفاف، لذت امنیت، چشیدن چیزی، با عینک دید خود دیدن | طرحواره حسی |
| ۶٫۹۷۶ | ۳ | پشت پرده، روابط تنگاتنگ، میز مذاکره | طرحواره حجمی |
| ۲٫۳۲۵ | ۱ | بر موضع باقی بودن | طرحواره فضایی- قدرتی |

که عموم مخاطبان درک می‌کردند، اما هنوز مدخل نشده است — مانند خالی کردن میدان. اما، به طور کلی، نسبت این دو نوع استعاره چندان متفاوت نیست. این را می‌توان این گونه توجیه کرد که در هر حال کاربرد استعاری عبارات در سیاست به مفاهیم ساده ذهنی گویشوران نزدیک‌تر است تا گوینده مطالب را بدون توضیح اضافی بیان و شنونده هم آن را راحت درک کند.

منابع

- افراشی، آریتا (۱۳۸۳)، «نگاهی به تاریخچه مطالعات استعاره»، *استعاره، مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی*، فرهاد ساسانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۲)، «استعاره و کنایه از دیدگاه علوم شناختی»، *مجموعه مقالات اولین سمینار استادان زبان و ادبیات فارسی*، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۴۸۶-۴۶۲.
- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۸۱)، *فرهنگ معاصر فارسی*، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- صفوی، کورش (۱۳۸۰)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

- Gibbs, Raymond W. & Lynne Cameron (2007), "The social-cognitive dynamics of metaphor performance", *Cognitive Systems Research*, sciencedirect.com
- Jenn-Yen, Chen (2001), "Do Chinese and English speakers think about time differently?", Institute of Cognitive Science, National Cheng Kung University, sciencedirect.com.
- Johnstone, Barbara (2008), *Discourse Analysis*, Blackwell Publishing.
- Reimer, Marga & Elizabeth Camp (2006), "Metaphor", *Handbook of Philosophy of Language*, ed. Lepore & Smith, pp. 845-863.
- Ungerer, Friedrich & Hans-Jorg Schmid (2006), *An Introduction to Cognitive Linguistics*, London, Longman.
- Valezuela, Javier & Cristina Soriano (2005), "Cognitive Metaphor and Empirical Methods", Universidad de Murcia.
- Velasco-Sacristán, Marisol & Pedro A. Fuertes-Olivera (2005), "Towards a critical cognitive-pragmatic approach to gender metaphors in advertising English", sciencedirect.com.

